

جنگ رسانه‌ای معلم دینی

هدف اصلی این
هجوم در یک
کلام، سلب هویت
اسلامی و شیعی
نسل جوان و
نوجوان و دامن
زدن به هرج و مرج
اعتقادی، اخلاقی و
سیاسی است



با تحرک و پویای اسلامی و بالاخره فشار سنگین سیاسی و اقتصادی از جلوه‌های این هجوم سنگین و گسترده است. هدف اصلی این هجوم در یک کلام، سلب هویت اسلامی و شیعی نسل جوان و نوجوان و دامن زدن به هرج و مرج اعتقادی، اخلاقی و سیاسی است.

این روزها در شبکه‌های مختلف رسانه ملی درباره چگونگی صیانت از هویت اسلامی نوجوانان و جوانان در برابر هجوم رسانه‌ای و غیررسانه‌ای غرب، میزگردها و مباحثات گوناگونی در جریان است. کمیت و کیفیت این هجوم گسترده و سنگین است و وجدان هر انسان غیرتمندی را به درد می‌آورد و او را به چاره‌اندیشی وامی‌دارد. بیش از ۱۴۰ شبکه تلویزیونی فارسی زبان، با محتوای تخریبی بالای ۸۰ درصد، همچنین هزاران شبکه تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی متعدد، قاچاق سنگین سی‌دی‌های ضداخلاق، ورود سیل آسای فرقه‌های به ظاهر معنویت‌گرا و در واقع ضداخلاق و دسته‌جات و گروه‌های منحرف شیطان‌پرست، تبلیغات گسترده علیه اسلام و تشیع و اعتقادات و ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی، ترسیم چهره‌ای خشونت‌گرا و عقب‌مانده و مهجور از نظام

بیشتر کارشناسانی که در شبکه‌های تلویزیونی حضور می‌یابند و در این باره نظر می‌دهند به گونه‌ای سخن می‌گویند که گویا یک جنگ رسانه‌ای از غرب و کشورهای استکباری علیه ایران در جریان است و سنگر اصلی مقابله با این هجوم «رسانه ملی» است. لذا اکثر بحث‌ها درباره ارتقای کیفی و کمی رسانه‌ها، محدود کردن یا نکردن ماهواره‌ها، آزاد گذاشتن یا نگذاشتن شبکه‌های اجتماعی در اینترنت و چگونگی مشارکت نیروی انتظامی در این قبیل امور است.

اما ماهیت رسالت اسلام و ساختار نظام تربیتی آن و مسئولیت سترگ جمهوری اسلامی برای احیای تولید، آن هم در زمانی که نظام شرک، سبک زندگی انسان مدرن شده است، با این قبیل پیشنهادهای تناسب ندارد.

سنگر اصلی پایداری و هجوم متقابل، «مدرسه» و افسر این میدان نبرد «معلم» است. تفصیل این سخن مجالی فراتر از سرمقاله می‌خواهد. فقط همین قدر یادآوری کنم که جز با تربیت مرحله به مرحله و درازمدت و بهره‌مندی از اندیشه توانا و نفس گرم معلم در فضای مدرسه‌ای فعال، با نشاط و معنوی نمی‌توان مقاومت کرد و به سنگرهای شرک و فساد یورش برد و آن‌ها را فتح نمود.

حال، اگر این نبرد فرهنگی و اعتقادی «سخت‌ترین نبرد است که در قالبی نرم در حال وقوع است، آیا افسران جبهه حق را به آمادگی و توانایی لازم رسانده‌ایم؟ به نظر مسئولان محترم چند درصد این افسران به چنین آمادگی‌ای دست یافته‌اند؟ آیا ابزار و سلاح مورد نیاز را به آنان داده‌ایم؟ چه مقدار از این ابزارها در مدارس موجود است؟ آیا ارزیابی دقیقی در این مورد وجود دارد؟

آیا معلمانی که با مصوبه نمایندگان مجلس در این سال‌ها به آموزش و پرورش آمده‌اند، حداقل توانایی ورود به این کارزار را دارند؟ آیا کلاس‌های ضمن خدمت فعلی و دوره‌های مشابه، این افسران خط مقدم سخت‌ترین نبرد را توانا و قدرتمند می‌کنند؟ این جانب یقین دارم که جواب هر دو سؤال منفی است.

گزینه نظامی و تحریم اقتصادی ایران توسط نظام سرمایه‌داری و جبهه استکبار یقیناً برای تشدید جنگ فرهنگی و اعتقادی است که سال‌هاست از روی میز به صحنه عملیات آمده و در حال اجراست. نظام اسلامی، به دلیل ماهیت اعتقادی‌اش فقط با عقب‌نشینی در عرصه فرهنگ و تربیت است که، خدای نخواسته احتمال دارد

که شکست بخورد. لذا ما برای توانمند کردن «مدرسه» و «معلم» به یک بسیج همه‌جانبه و طولانی‌مدت نیاز داریم. اگر برنامه‌ریزی مسئولان نظام چنان پیش رود که نخبه‌ترین تحصیل‌کردگان حوزه و دانشگاه با ویژگی‌های ممتاز علم، تقوا و توانایی تدریس و تربیت به سوی آموزش و پرورش بیایند و با روی باز و گشاده‌سخت‌ترین شغل جامعه را در سخت‌ترین جبهه مبارزه با استکبار بپذیرند، می‌توان گفت فاصله میان حقیقت و واقعیت را به حداقل رسانده و دست بالاتر را در مبارزه از آن خود کرده‌اند.

در میان درس‌ها، درس دینی و در میان معلمان، معلم این درس موقعیت دیگری دارد و به طور طبیعی سخت‌ترین ساعت مبارزه را در میان ساعات درس برعهده گرفته و در پیچیده‌ترین قسمت از جبهه وارد نبرد شده است. از این رو توانایی علمی و مهارتی این معلم و ویژگی‌های اخلاقی و تقوایی وی به مراتب باید برتر از سایر معلمان باشد تا بتواند پیروز میدان شود و دشمن را به عقب براند.

آیا تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در مجلس شورای اسلامی و هیئت دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اند؟ آیا مسئولان وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی آن نیز همین احساس را دارند؟ البته عملکرد باید حاکی این نتیجه و آن احساس باشد.

سردبیر

این نظام اسلامی،

به دلیل ماهیت

اعتقادی‌اش فقط

با عقب‌نشینی در

عرصه فرهنگ و

تربیت است که،

خدای نخواسته

احتمال دارد که

شکست بخورد

